در افشای استراتژی «سیاست‌زدایی» در جنبش کارگری

چه کسی فکر می‌کرد که پاسدار مستقر در بسیج کارخانه روزی طرفدار «تشکل صنفی کارگری» شود؟ چه کسی فکر می‌کرد که آدم‌فروش آموزش‌دیدهٔ انجمن اسلامی کارخانه، روزی روزنامه «ایران» و «خرداد» در زیر بغل، شروع به «ارشاد» کارگران درباره فواید تشکل صنفی در کارخانه کند. آیا فکر می‌کردید همان کسانی که بسیاری از کارگران را به جرم حرف زدن از تشکل مستقل کارگری و دفاع از ضرورت تشکل‌یابی کارگران به اوین کشانده و به جوخه اعدام سپردند، روزی در لباس مدافعان «حق تشکل صنفی» و «اعتصاب قانونی» ظاهر شوند؟

چه کسی تصور می‌کرد که روزی روزنامه کار و کارگر، ناشر افکار خانه کارگر، مقالات بلندی درباره حق اعتصاب منتشر کرده و با استناد به ماده ۱۴۲ قانون کار خواستار حق اعتصاب قانونی برای کارگران شود؟ چه کسی فکر می‌کرد که کمیته‌چی‌ها و بازجویان اوین، روزی سرمقاله‌نویس روزنامه شده و درزمینهٔ لزوم واردکردن «فرهنگ اتحادیه‌ای به جامعه کارگری» قلم‌فرسایی کنند؟

شوخی نیست. ترفند شاید، اما شوخی نیست. درست است، همه می‌دانند که باید کاسه‌ای زیر نیم‌کاسه باشد؛ و تعدادی، حتی باور هم ندارند؛ اما این یک حقیقت است که جمهوری اسلامی و در پیشاپیش آن خانه کارگر و حزب اسلامی کار سخن از لزوم ایجاد تشکل‌های صنفی رانده و در این زمینه برنامه‌های قابل‌توجهی در دست اقدام دارند.

سیاست‌گذاران و کارشناسان رژیم اسلامی به این نتیجه رسیده‌اند که بزرگ‌ترین چالش پیش روی حکومت اسلامی که می‌تواند پیشرفت جنبش اصلاحات را به مخاطره بیندازد اعتراضات کارگری است. از همین رو استراتژی همه‌جانبه‌ای را برای مقابله با جنبش کارگری تدارک دیده‌اند: استراتژی مهار و هدایت اعتراضات کارگری به مجرای قانون و اصلاحات، استراتژی محصورسازی مبارزات کارگری در دایره تنگ صنفی، استراتژی سیاست‌زدایی در جنبش کارگری. استراتژی «تزریق فرهنگ اصلاحات در جامعه کارگری برای از میان برداشتن سیاست‌زدگی کارگران». استراتژی که در سطح محافل امنیتی رژیم اسلامی ساخته‌وپرداخته شده، به‌وسیله مشاور امنیتی خاتمی و دفتر نهاد رئیس‌جمهوری فرموله گشته و بالاخره از طریق نهادهای کارگری رژیم یعنی خانه کارگر و حزب کار اسلامی و گروه‌های غیررسمی وابسته به این نهاد حمایت سیاسی ایدئولوژیک می‌شود.

استراتژی سیاست‌زدایی در جنبش کارگری بخشی از برنامه عمومی توسعه سیاسی دولت اصلاح‌طلب است. بگذارید تا به‌دوراز هرگونه توضیح و تفسیر نگاهی به گوشه‌هایی از گفته‌های مسئولان و مقامات رژیم دراین‌باره بیندازیم:

ـ رئیس‌جمهوری حکومت اسلامی در پاسخ به پرسش خبرنگار کار و کارگر درباره حق اعتصاب:

«بنابراین درعین‌حال که اعتصاب حق طبیعی هر بخشی است باید متوجه وضعیت حساس کشور بود که هرروز اگر ما با اعتصابات که به بهانه‌های مختلف، بخصوص در جامعه ما که ممکن است بعد از مدتی معلوم شود که بعضی انگیزه‌های سیاسی منشأ کار بوده و نه انگیزه صنفی. حتماً جامعه کارگری، تشکل‌های کارگری، متوجه این وضعیت بشوند.»

ـ محجوب در سخنرانی خود در جریان مجمع عمومی اتحادیه‌های کارگران واحدهای دارویی و بهداشتی، آرایشی:

«جامعه کارگری باید با تمسک به فرهنگ اتحادیه‌ای تمام توان خود را در صنفی کردن حرکت‌های خود متمرکز نماید.»

روزنامه کار و کارگر مورخه ۷ خردادماه ۱۳۸۰

ـ روزنامه کار و کارگر، درباره کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران:

«همه باید بدانند که انجمن‌های صنفی کارگران سیاسی نیستند. در آن از برادران عزیزی که حق مسلم مجمع عمومی را نادیده گرفته‌اند را دعوت می‌نماییم که چنانچه هدف آن‌ها خدمت و کار کردن است، برای این قشر زحمتکش کار کنند و اگر هدفشان چیز دیگری است که به‌عنوان سنگر سیاسی از این کانون استفاده نمایند، قانون را به قانون‌دانان و قوه قضائیه می‌سپاریم.»

روزنامه کار و کارگر ۱۳ تیرماه ۱۳۸۰

درست فهمیده‌اید. جنجالی که حول دفاع از حقوق کارگران به راه افتاده یک ترفند سیاسی است. یک برنامه سیاسی طراحی‌شده در نشست‌های مسئولین دستگاه مخوف امنیتی جمهوری اسلامی.

اما اگر قرار است تا با فرهنگ و جنبش واقعی اصلاحات به خلع سلاح سیاسی طبقه کارگر پرداخت، باید «الگوهای رفتاری» آن را از جای دیگری وارد کرد. یا به قول مقاله‌نویس روزنامه کار و کارگر به تاریخ شش خرداد ۱۳۸۰:
«نمی‌توان پذیرفت که با توجه به توسعه سیاسی و تحولات اخیر در فضای عمومی کشور جامعه کارگری مثل گذشته الگوهای رفتار سیاسی خود را مستقیم یا غیرمستقیم از حکومت خواهد گرفت».

این الگوی رفتاری باید از جای دیگری و البته از طریق و ابزارهای معینی به حرکت‌های کارگری وارد شود. آری استراتژی مهار و سیاست‌زدایی در جنبش کارگری ابعاد گسترده‌ای دارد. حرکتی سازمان‌یافته با جنبه‌های پنهان و آشکار. از انتشار انواع مجله‌های به‌ظاهر مستقل تحت عنوان «درباره مسائل صنفی کارگری» و سازمان دادن مشتی توده‌ای و تواب سیاسی به دور این مجلات و نشریات به‌ظاهر غیررسمی تا ایجاد یک پشت جبهه برای جنبش اتحادیه‌ای در درون اپوزیسیون چپ، از دعوت کارگران برخوردار از وجهه در محیط کار به شرکت در نهادهای دست‌ساز صنفی و سپس تلاش برای خریدن چنین کسانی تا ایجاد گروه‌های ویژه برای خنثی‌سازی نفوذ ضدانقلاب در نهادهای صنفی، از کوبیدن مهر صنفی بر هر اعتراض و مبارزه کارگری تا دعوت از چپ‌های همکار جمهوری اسلامی و رفرمیست‌ها به فعالیت رسمی در این مسیر. این‌هاست گوشه‌هایی از اقدامات عملی و سازمان‌یافته جهت پیشبرد «استراتژی سیاست‌زدایی در جنبش کارگری» و «تزریق فرهنگ اصلاحات به جامعه کارگری».

جمهوری اسلامی از عمق انزجار کارگران و مردم نسبت به تمامی نهادها وابسته آگاه است. نظریه‌پردازان توسعه نیک می‌دانند که کارگران، تشکل صنفی و حق اعتصاب قانونی اهدایی حکومت اسلامی را پشیزی نخواهند خرید. کارگران می‌دانند که این «هدایای دمکراتیک» به کارگران، بوی خون و تعفن می‌دهد. آغشته به سالوسی و ریاکاری مسلمانان متعصب و متحجر است. آنان می‌دانند که سازمان دهندگان اصلی این‌گونه تشکل‌های مستقل و صنفی در مکتب باندهای سیاه و پلیسی تربیت‌شده‌اند. برای همین است که سخن از ضرورت کسب الگوهای رفتاری از جاهای دیگر میرانند. این ترفند رذیلانه قمه‌کشان اصلاح‌طلب باید از طریق هوشیاری و تداوم مبارزه علیه جمهوری اسلامی و کلیه احزاب و محافلی که مستقیم یا غیرمستقیم به دفاع از جناح‌های رژیم می‌پردازند پاسخ گیرد. این استراتژی ضد کارگری باید از طریق اقدام هر محفل مبارز کارگری با انتشار پلاتفرم سیاسی خویش (توضیح خطوط عمومی اهداف سیاسی جمع) پاسخ گیرد. این اقدام سازمان‌یافته علیه مبارزات کارگری باید با تلاش برای تقویت خصلت سیاسی مبارزات کارگری پاسخ گیرد. هرگونه تلاشی از طرف عناصر حرفه‌ای و مجرب که متوجه محصور نمودن جمع‌های سیاسی کارگری در دایره فعالیت صنفی است باید به دیدهٔ احتیاط نگریسته شود.

«مبارزهٔ طبقاتی» ۴، مهرماه ۱۳۸۰ ـ پیک انترناسیونالیستی